

شرق روزنامه

گفت‌وگو با حامد بهداد به بهانه داوری سومین مسابقه عکس عکاسان سینمای ایران

عکاسی نزدیک‌ترین راه به سینماست

بهناز شیربانی: حامد بهداد سال‌هاست که در کنار بازیگری، عکاسی می‌کند و سال‌ها پیش نمایشگاهی نیز برگزار کرد و نگاه ویژه‌ای به این شاخه هنری دارد. نگاه ویژه او به عکاسی یکی از دلایلی است که در سومین جشن عکاسان سینمای ایران به‌عنوان یکی از داوران این دوره عکس‌ها را داوری کرد و اتفاقا تحلیل خاصی نسبت به عکاسی سینما دارد. به همین بهانه با او گفت‌وگویی کوتاه داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

✎ داوری سومین مسابقه عکس عکاسان سینما و نگاهی که شما به عکاسی فیلم دارید قطعا برگرفته از تعامل شما به‌عنوان بازیگر با عکاسان سینما و البته تجربه شما در عکاسی است. بد نیست ابتدا کمی درباره گذشته و آغاز فعالیت عکاسی شما صحبت کنیم. از چه زمانی دوربین دست گرفتید؟

عکاسی را از علیرضا ثانی‌فر آموختم، به این دلیل که پدرش، عباس ثانی، از فیلم‌برداران سابق سینمای ایران است و سال‌های‌سال تجربه فیلم‌برداری سینما داشت. اصولا فیلم‌برداری و عکاسی در خانواده آنها باب بود. عکاسی را که شروع کردم، آن‌قدر با دوربین‌های مختلف عکاسی کردم که بعدها دیدم سال‌هاست مشغول تجربه شده‌ام.

✎ خاطرم هست نمایشگاه عکسی که سال‌ها پیش برگزار کردید، حواشی بسیاری داشت؛ همان‌قدر که برخی تحسین کردند، عده‌ای هم انتقادهایی داشتند از جمله ورود بازیگران به حوزه‌های دیگر هنری…



اتفاقا خیلی تحسین نشد، خیلی شلوغ شد. البته نقدی که به آن اشاره می‌کنید مطلب دیگری است که به ذهن مسدود و منقبض برخی از ما برمی‌گردد. نمایشگاه عکسی که سال‌ها پیش برگزار کردم خیلی قوی نبود، تنها سته، چهار فریم عکس نمره قبولی داشت و صرفا یک تجربه بود.

✎ به‌رحال به‌عنوان یک بازیگر تعامل خوبی با عکاسان سینما دارید. نگاه شما به عکاسی فیلم چیست؟

تعامل من با فیلم‌بردارهای سینما و درک فضای ذهنی آنها به دلیل علاقه من به عکاسی است. معتقدم هر عکسی یک فیلم کوتاه است، وقتی فریمی را ثبت می‌کنی، بی‌تردید در آن هم سوره هست، هم نورپردازی داری، هم قصه‌ای وجود دارد و هم میزان سنن و بازیگری و…، حتی وقتی عکاس برای عکاسی آماده می‌شود مثل این است که برای ثبت لحظه‌ای باید پیش‌تولید کنی؛ آماده شوی، نور را بسنجی، مسلح باشی و با فکر و نگاه خاص لحظه‌ای را ثبت کنی و بعد از آن ظهور عکس یا تصحیح رنگ هم وجود دارد و قطعا پروسه جالبی است. عکاسی، نزدیک‌ترین و کوتاه‌ترین راه به فیلم‌سازی در سینماست و به قول تورج اصلانی هر یک فریم عکسی که ثبت می‌شود، گویی یک فیلم کوتاه ساخته‌ای.

✎ تازه‌حال با دیدن عکسی، فیلمی در ذهنتان نداعی شده؟
بله خیلی از عکس‌ها چنین ویژگی‌ای دارند؛ مثلا عکسی که جان وین در ضد نور و در استانه در با لباس کابوی در فیلم جان فورد ایستاده برای من عکس جالبی است و بسیاری دیگر از عکس‌ها که من را به یاد فیلم‌هایشان می‌اندازد.

✎ شما یکی از داوران سومین مسابقه عکس عکاسان سینمای ایران بودید؛ دوره‌ای که تعداد قابل‌توجهی از عکاسان فیلم در این رقابت شرکت کردند. نظر شما درباره کیفیت آثار چیست؟
عکس‌های خوب زیاد دیدم و لذت بردم. از عکس‌های سحاب زری‌بافت لذت بردم. بعضی فیلم‌ها به دلیل شرایط صحنه این امکان را به عکاس می‌دهند که عکس بهتری ثبت کند. از طرفی عکس‌هایی که در لوکیشن‌های آپارتمانی ثبت شده بود خیلی برایم خوشایند نبود و فضای بسته خیلی سخت به عکاس امکان عکاسی بهتر و خلاقانه را می‌دهد.

در این میان از هم‌صحبتی با هومن بهمنش درباره عکاسی چیز آموختم. همچنین استاد عزیز ساعتی.

✎ در داوری تا چه حد وجوه هنری عکس برای شما اولویت بود؟
وجوه هنری عکس مستقیما باید به شرایطی برگردد که فیلم‌بردار ایجاد کرده است. حق بیشتری برای عکاس به صورت مستقل و جداگانه نسبت به فیلم‌بردار و پلان‌های یک فیلم قائل نیستم. درباره پشت‌صحنه یک فیلم البته شرایط متفاوت است، اما عکاس باید نور و رنگ و پلان فیلم‌بردار را ثبت کند. همین.

نشان درجه‌یک هنری برای لالایی خوان قشقایی

● **گروه هنر:** پروین بهمنی - لالایی‌خوان پیش‌کسوت قشقایی و پژوهشگر، گفت: «سرانجام نشان درجه‌یک هنری را به من دادند». این هنرمند پیش از این، نشان درجه دو هنری را در بخش «پژوهش» گرفته بود و این‌بار نشان درجه‌یک را که معادل دکتراست، برای آواز دریافت کرده. این موسیقی‌دان و پژوهشگر متولد سال ۱۳۲۸ در ایل قشقایی است. او کودکی خود را در ایل گذراند و سال‌ها به‌عنوان آموزگار در مناطق مختلف عشایری استان فارس خدمت کرد. بهمنی در چند دهه اخیر، در انتشار کتاب‌هایی مانند «داستان‌ها و حکایت‌ها و افسانه‌های اقوام ترک»، «ایران ترک‌لر»، «جغرافیای محیط عاشقی ترکان ایران»، و چند کتاب دیگر همکاری داشته است.

از ابرای خیام تا یک دقیقه و ۱۳ ثانیه

گروه هنر: سرانجام روز اجرای ابرای عروسکی خیام مشخص شد و به‌زودی با حضور رضا بهبودی، الهام کردا، پانتنهٔ آپهرام، سیما تیرانداز و لادن مستوفی نمایش‌های تازه‌ای در تهران اجرا خواهد شد.

خیام
ایرای عروسکی «خیام» از ۲۵ تیرماه اجرای عمومی خود را در تالار فردوسی بنیاد فرهنگی و هنری رودکی آغاز می‌کند. ابرای عروسکی «خیام» به‌عنوان جدیدترین پروژه گروه تئاتر «آران» مجوز اجرای خود را از شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد. بهروز غریب‌پور زمان آغاز اجرای عمومی ابرای عروسکی «خیام» را ۲۵ تیرماه اعلام کرد.

اگه بمیری…

رضا بهبودی و الهام کردا در نمایش «اگه بمیری…» به کارگردانی سمانه زندی‌نژاد به ایفای نقش می‌پردازند.

به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل تماشاخانه ایرانشهر، نمایش «اگه بمیری…» نوشته فلوریان زلر، با کارگردانی سمانه زندی‌نژاد و به تهیه‌کنندگی مهرداد بهاءالدینی از اول مرداد در سالن دکتر ناظرزاده‌کرمانی مجموعه ایرانشهر اجرای عمومی خود را آغاز می‌کند. از دیگر عوامل این نمایش می‌توان به شیمیا میرحمیدی، طراح صحنه و لباس، آتکبود دارش، طراح صدا، فراز اسکندری، طراح ویدئو، صادق زرجویان، طراح بوستر و تیزر و مهدی آشنا، عکاس اشاره کرد. گروه اجرایی نمایش «اگه بمیری…» این روزها تمرین‌های خود را برای آغاز اجرای عمومی این اثر سیری می‌کند.

از پشت پلک‌های نیمه‌باز

نمایش «از پشت پلک‌های نیمه‌باز» به نویسندگی و کارگردانی سلیم باشکوه از هجدهم تیرماه میزبان تئاتردوستان در تئاتر باران می‌شود. نمایش «از پشت پلک‌های نیمه‌باز» به نویسندگی و کارگردانی سلیم باشکوه از ساعت ۱۷ یکشنبه، هجدهم تیر اجرای عمومی خود را در تماشاخانه باران آغاز می‌کند. در خلاصه داستان این اثر آمده است: «از پشت پلک‌های نیمه‌باز» معنای خاموش انسان معاصر است که در تنهایی ناخواسته خود غرق شده و این سرگشتگی گزاره‌هایی را در ذهن او پدید آورده که مسودمنجی، حرکت و آرامش را از او گرفته است تا نتواند به سازوکاری درست برای حیات خود دست یابد». این نمایش با بازی کیانوش خان‌محمدی، سوده ازقندی، ساناز نام‌دوست، محمد طایفه، حامد نوبخت، رضا برزن، مانده قدیری و احسان امیری تا ششم مرداد هرشب

به مدت یک ساعت برای مخاطبان خود در سالن باران به نمایش گذاشته می‌شود. علاقه‌مندان به تماشای این اثر می‌توانند برای خرید بلیت «از پشت پلک‌های نیمه‌باز» از سایت تیوال اقدام به تهیه بلیت کنند. **یک دقیقه و ۱۳ ثانیه**
همچنین از اول مرداد نمایش «یک دقیقه و ۱۳ ثانیه» نوشته محمد چرم‌شیر و به کارگردانی شهرام گیل‌آبادی با نگاهی مستند به زندگی زنان کارتن‌خواب در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. به گزارش روابط‌عمومی گروه، این نمایش تعاملی که در دو زمان ۲۰:۳۰ و ۲۲ از یکم تا بیست‌ویکم مرداد روی صحنه می‌رود، قصه زندگی چهار زن کارتن‌خواب است که با بازی پانتنه آپهرام، لادن مستوفی، سیما تیرانداز و مینا دریس در شیوه‌ای تعاملی و با مشارکت فعال تماشاگر روی صحنه خواهد رفت.



نگاهی به مجموعه خندوانه

رونوشت برابر با اصل نیست

وارداتی را در این سرزمین به ابتدال کشیده‌ایم. در این زمینه مثال‌ها فراوان است و یکی از مثال‌های اخیر همین استندآپ کمدی است که به تقلید از شومنه‌های خارجی و به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای و فارسی‌زبان، وارد فرهنگ نمایشی ما شده است.

حالا دیگر همه تب استندآپ کمدی گرفته‌اند و هر نوع بی‌فرهنگی و لوس‌بازی و شکلک‌سازی و شوخی‌های جلف را در زوروق این نام می‌پیچند و به مخاطب ساده‌اندیش عرضه می‌کنند. به‌ویژه برنامه‌سازان صداوسیما در این زمینه گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. واقعیت این است که صداوسیما، لااقل حدود یک دهه است که بازی را به رقبای خارجی باخته و دچار ریزش مخاطب شده است. اما به جای آنکه چاره‌سازی کند و راه‌حل را در ساخت فیلم‌ها و مجموعه‌های باکیفیت بجوید، با تقلید از شبکه‌های برون‌مرزی به ساخت برنامه‌هایی مانند بفرمایید شام و آکادمی آواز و مسابقه صدا و چه‌وجه رو آورده است. با صدایشگان بازنشته را احضار کرده است که نقش خوانندگان لس‌آنجلسی را مکرر کنند. یا کمدین‌های ورشکسته را آورده است که با شوخی‌سازی‌های سخیف به قول خود استندآپ کمدی بسازند. خندوانه نیز یکی از این پدیده‌هاست که در غیاب برنامه‌های سالم و متغتن، تا حدودی مورد اقبال عمومی قرار گرفته است. اما آیا اقبال از این برنامه را باید به نام رامبد جوان ثبت کنیم؟ چنین نیست و به‌ویژه در دوره نخست، جوان در این برنامه چندان کانون توجه نبود و آنچه مهم‌تر بود، جناب‌خان با صدایشگی محمد بحرانی بود. جوان که با مجموعه خانه سبز و با تقلید از جیمز کری توانسته بود تا حدودی جلب نظر کند، با کارهای بعدی خود نشان داد که کمدین خلاق نیست و جز تقلید و شکلک‌سازی کاری از او بر نمی‌آید. بنابراین از جلوی دوربین به پشت دوربین کوچید و با ساختن فیلم‌هایی مانند ورود آقایان ممنوع، کوشید بخت خود را در این زمینه بازآماید. انصاف آنکه نشان داد در این

ایست‌خندهای محبوب خندوانه

علی رزاقی بهار · پژوهشگر حوزه تلویزیون

کمدی قسمت مهمی از این برنامه است که نقش قابل‌توجهی در جذب مخاطب دارد؛ مخاطب‌های سرگردان در شبکه‌های ماهواره‌ای که اتفاقا این ایست‌خندها را بر برنامه‌های معمولاً بی‌کیفیت رسانه ملی ترجیح می‌دهند. جیم کری، مستر بین و رابین ویلیامز از معروف‌ترین کمدین‌هایی هستند که با هنرمندی آنها این سبک از اجرا طرفداران بسیاری در جهان پیدا کرد و به شکل

خندوانه؛ خنداننده نشد!!!

سینوسی و ناموفق هم عمل کرد. خندوانه برای جلوگیری از تکرار و بهترشدن راه‌های مختلفی ازجمله مسابقه لباهنگ، خانواده باحال، آوردن عروسک‌های جدید و فستیوال استندآپ کمدی را امتحان کرد. این روزها نیز شاهد نوعی استعدادیابی در قالب «خنداننده شو» هستیم که تقلیدی از برنامه‌های آن طرف آبی است! اینکه بالاخره چه زمانی قرار است رگ خلاقیت برنامه‌سازان ما بالا برند و از حجم برنامه‌های تقلیدی تلویزیون ملی کم شود، خود سوآلی است که امیدوارم خیلی زود به جواب برسیم!!!
برنامه استعدادیابی آمریکا (America got talent)، برنامه استعدادیابی کشورهای عربی (Arab got talent)، برنامه صدا (Voice) و برنامه (X Factor) ازجمله برنامه‌های استعدادیابی در زمینه‌های متفاوت هنری در کشورهای مختلف هستند که با داوران بسیار قوی و با تخصص مربوطه اجرا می‌شوند. این برنامه‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که دارای خروجی‌های بسیار موفق از افراد منتخب هستند که آنها بعد از مدتی یکی از بهترین‌ها در زمینه‌ای که شرکت کرده بودند، می‌شوند. چنین برنامه‌هایی که از تیم‌های قوی برنامه‌سازی تشکیل شده‌اند، توانسته‌اند در راستای کمک به کشف، پرورش و هدایت استعدادها قدم بردارند و با نشان‌دادن شیوه‌های متنوع در ارائه استعداد افراد جامعه سال‌هاست که در جذب مخاطب در سراسر جهان بسیار موفق عمل کرده‌اند.

برنامه خنداننده شو نیز در برنامه خندوانه در راستای استعدادیابی، استندآپ کمدی‌هایی را به اجرا می‌گذارد که اجراکنندگان از بطن جامعه انتخاب شده‌اند. تا اینجا کار شاید بسیار هم خوب باشد چراکه فرصتی را برای افرادی فراهم کرده که ممکن است تاکنون چنین امکانی را نداشته‌اند و به دنبال مسکوی پرتابی برای عرض اندام بوده‌اند. اما



هرودت، مورخ یونان باستان، می‌گفت که: ایرانی‌ها مقلدان خوبی هستند و گاه رونوشت را از اصل بهتر درمی‌آورند. (نقل به معنا) این گزاره در موارد زیادی صحیح است و می‌توان مثال‌های تاریخی زیادی در این زمینه ارائه داد؛ به‌ویژه در علوم نظری و آفرینش‌های هنری ما اغلب خودکفا نبوده‌ایم و گوشه‌چشمی به دست‌آمد دیگران داشته‌ایم. به‌ویژه پس از برآمدن مدرنیته و به دنبال خیزش مشروطه، این نوع الگوبرداری رو به افزایش گذاشته است. مثلاً ما فاقد سنت‌های کهن‌سال نمایشی بوده‌ایم، یا اینکه سینما را ما اختراع نکردیم، یا اینکه ما بیشتر حکایت گفته‌ایم و تجربه‌ای در قصه‌نویسی مدرن نداشته‌ایم، اما رونوشت‌های ما در این زمینه، در مواردی حتی فراتر از اصل بوده است. مثلاً ما مقلد سینمای غرب و به‌ویژه سینمای هنری اروپا بوده‌ایم. اما از بستر همین تأثیرپذیری، فیلم‌سازیانی مانند عباس کیارستمی و اصغر فرهادی و دیگران برآمده‌اند که حرفی برای گفتن دارند و در موارد زیادی مورد ارجاع همتاهای خارجی خود قرار گرفته‌اند.

رمان «بوف کور» به چندین زبان ترجمه شده است و صادق هدایت با همین اثر بیش از هر نویسنده ایرانی در جهان درخشیده است. غلامحسین ساعدی هنگامی که هنوز حرفی از مارکز و رنالیس جادویی در میان نبود، به قول شاملو با داستان‌های «عزاداران بیل»، پیش‌قراول این سبک ادبی بوده است. اما در کنار این مثال‌های غرور آفرین، در موارد بیشتری می‌توان گفت ما نه‌تنها فراتر از اصل نبوده‌ایم، بلکه بسیاری از سبک‌های هنری و

همین اثر بیش از هر نویسنده ایرانی در جهان درخشیده است. غلامحسین ساعدی هنگامی که هنوز حرفی از مارکز و رنالیس جادویی در میان نبود، به قول شاملو با داستان‌های «عزاداران بیل»، پیش‌قراول این سبک ادبی بوده است. اما در کنار این مثال‌های غرور آفرین، در موارد بیشتری می‌توان گفت ما نه‌تنها فراتر از اصل نبوده‌ایم، بلکه بسیاری از سبک‌های هنری و

خیلی‌ها خندوانه را بهترین برنامه تلویزیونی سال‌های اخیر رسانه ملی و برخی‌ها هم این برنامه را مدل کیی برنامه‌های تلویزیون‌های غربی می‌دانند. اما خندوانه با تلفیق مدل غربی و طراحی داخلی تبدیل به خندوانه‌ای شده که جدا مورد توجه است و بیندگانی پروپاقرص دارد که این برنامه را از دست نمی‌دهند. ایست‌خند یا کمدی ایستاده یا همان استندآپ

سمانه پورمحمد: خندوانه با رویکردی متفاوت به خندیدن و خنداندن و نگاهی طنزگونه به برخی معضلات اجتماعی وارد تلویزیون شد و شبکه‌ای را که تا ر عتیکوت بسته بود به نوعی متحول کرد. در ابتدا عناصر زیادی به جذابیت برنامه جهت می‌دادند که مهم‌ترین آنها شخصیت جناب‌خان با ویژگی‌های منحصربه‌فرد بود؛ شخصیتی که بسیاری از تابوهای تلویزیون را شکست و چون در قالب یک عروسک معرفی شده بود، به‌ظاهر مشکلی در این زمینه ایجاد نمی‌کرد؛ تاک‌شوهای جذابی را توسط میهمانانی ارائه می‌داد که شاید تا آن‌موقع به هیچ برنامه تلویزیونی دعوت نشده بودند یا در زمینه‌های متفاوت‌تری به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند و رفته‌رفته چهره‌های مطرحی از بازیگران و ورزشکاران و… هم به برنامه دعوت شدند که این اواخر ورود چهره‌های مدم‌ستی از جذاییت برنامه به‌شدت کاست. این برنامه همه مناسبت‌های ملی و مذهبی و تمامی اتفاق‌هایی که به صورت ناگهانی در کشور رخ می‌داد را با محتوایی مربوط به آنچه پیش آمده بود، به وسیله اتاق فکر نسبتاً قوی خود پوشش می‌داد. رواج نیکوکاری و مهربانی این‌بار در پایان هر برنامه با قول‌گرفتن از میهمان آن شب و انجام یک حرکت متفاوت که سبب خشنودی یک یا چند نفر می‌شد نیز از نکات مثبت این برنامه بود. اما خندیدن به هر قیمتی و به هر مسئله‌ای اصلا کار جالبی نیست، عوامل اجرایی برنامه با گرفتن خنده‌های زورکی از تماشاچیان داخل استودیو سعی در ایجاد فضایی متفاوت را داشتند و دارند که البته خندانندن مردم در این برهه از زمان و با وجود مشکلات بسیاری که گریبانگیرش هستند، بسیار کار سختی است و این اصرار برای خنده‌های زورکی سطح سلیقه و ذائقه مخاطب را به‌شدت پایین می‌آورد. به‌هرترتیب خندوانه چند فصل را با تغییراتی که عوامل برنامه سعی می‌کردند به جذابیت کار بیفزایند، جلو آمد هرچند در این وادی بسیار